هو الباقی بلا زوال

حمد و ثنا مالک وجود و سلطان غیب و شهود را لایق و سزاست که ظلم ظالمین و سطوت آمرین را سبب و علّت ارتفاع کلمهٔ علیا فرمود مرة بایادی الظّالیمن یرفع امره و اخری بایادی اولیائه الّذین یرون الغافلین ککفّ تراب و ینطقون بما نطق القلم الاعلی فی الافق الابهی اولئک رجال لا تلهیهم زخارف الدّنیا و لا خزائن الامراء عن ذکر هذا النّباء الّذی بشّر الله به فی کتبه و زبره و الواحه طوبی لمن تمسّک به و اقبل الی ساحة عزّه و ویل للغافلین یا حبیب روحانی نامهای مرسلهٔ آنجناب رسید یکی از آنها از جناب شیخ ابوالقاسم علیه سلام الله و بهائه بوده طوبی له و نعیما له چه که از کلمات نامه عرف محبّت مالک آمه و خامه متضوّع مقصود از این آمه قلم اعلی بوده وهست اوست صور الٓهی و فاتح ابواب رحمت و کرم ربّانی الٓهی الٓهی تری اولیائک مقبلین الیک و متمسّکین بحبل اوامرک و احکامک اسئلک بامواج بحر بیانک و بالّذی به زیّنت افلاک سماء قدرتک ان تحفظهم بجودک و جنودک ای ربّ تری احبائک فی ایران تحت براثن الضّغینة و العدوان اسئلک برحمتک الّتی سبقت الامکان ان تبعث من الارض من یقوم علی نصرتهم و حفظهم و اخذ حقوقهم من الّذین نقضوا عهدک و میثاقک و ارتکبوا ما ناح به سکّان مدائن عدلک و انصافک انّک انت المقتدر العلیم الحکیم سبحان الله در ارض یا فی ایران ذئاب هجوم نموده‌اند بر اولیاء و اهل وفا و ارتکاب کرده‌اند آنچه را که عبرات مقرّبین و زفرات مخلصین نازل و متصاعد است آن حزب گمراه بر اطفال بیگناه رحم ننمودند چند روز بی قوت ماندند و از قرار مذکور حزب حضرت روح الله علیه السّلام اعانت کردند و قوت لا یموتی در سّر سّر فرستادند اگر چه ارتکاب این امور بحهت اطفای نور بوده ولکنّ الله جعل البلایا علّة لارتفاع امره وسببا لاعلاء کلمته رغما لانفهم انّه هو العادل الحکیم سوف یبعث الله من قطرات دماء المظلومین رجالا ینصرون اولیائه و احبّائه البتّه بعد از ظلمت ظلم نور عدل إلهی اشراق فرماید و بعد از اعتساف آفتاب انصاف پرتو افکند انّ ربّنا هو العادل المشفق الکریم .